

## سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

# مشی و تاریخ حزب را از نو به میان مردم ببریم!

دهم مهرماه، سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران است. درباره انگیزه ها و زمینه های بنیانگذاری، حضور و ماندگاری حزب توده ایران بسیار گفته و نوشته اند و ما نیز می توانیم منتی بر آن ها بیافزاییم؛ از فداکاری ها، جانفشانی ها، تاثیر گذاری های سیاسی و فرهنگی، هنر سازماندهی و ایمان استوار و همیشگی حزب به منافع ملی، حقوق زحمتکشان ایران و

...

چنین گفته و نوشته اند، و چنین خواهند گفت و خواهند نوشت؛ از همین روست که اعتقاد داریم، ضمن تأیید و احترام گذاری به این کارنامه، باید در پی چاره ای برای حضور امروز در جامعه ایران، ایفای نقش برای آینده و زندگی لحظه به لحظه با رویدادهای کنونی ایران باشیم. این که سایه بلند و سنگین مهاجرت و سرکوب بیش از هر سازمان سیاسی، بر سر حزب توده ایران است، واقعیتی آشکار است و بازگویی آن باری از کوله بار مسئولیت امروز آن ها که به این راه و حضور دوباره و سراسری حزب توده ایران در جامعه باور دارند نمی کاهد. ما براین یقین پافشاری می کنیم و معتقدیم خانه را دوباره و از "نو" باید ساخت. مصالح آن؟

- 1 - پایه هائی که باقی مانده و همچنان پابرجا و استوار است
- 2 - جامعه امروز و نسل جدید ایران.

زبان و فرهنگ این نسل را بعنوان ابزاری از مجموعه ابزار های ضروری باید فرا گرفت، با مشکلات امروز ایران، که تفاوتی 27 ساله با گذشته دارند باید آشنا شد؛ و مهم تر از همه، در حوادث امروز کشور باید حضور تاثیر گذار داشت. این راز جاودانگی حزب توده ایران در بیش از 6 دهه گذشته بوده است. از سال های پایانی جنگ دوم و دفاع از صلح و مقابله با استبداد، تا امروز که یکبارہ دیگر، از سر اتفاق رسیده ایم به همان گذرگاه عبور از جنگ و ویرانی، به عقب راندن ارتجاع مذهبی و خرافات، دفاع از استقلال کشور و مبارزه با استبداد.

حداقل از 1362 تا کنون، بی امان علیه حزب توده ایران تبلیغ شده و تاریخ و نقش تاریخی آن را واژگونه تحویل نسل جدید کشور داده اند. به کلامی دیگر، جوان 22 ساله امروز زیر این بمباران تبلیغاتی بزرگ شده است. 8 سال را بر آن بیافزائید. یعنی کودک 7 تا 8 ساله ای که از سال 62 و اساساً از انقلاب 57 بدشواری ممکن است تصویری در ذهن داشته باشد، امروز پا در رکاب 30 سالگی دارد و این یعنی 70 در صد جمعیت ایران.

ما وقتی می گوئیم باید دوباره و از نو خانه را برپا داشت، روی سخنمان با همین 70 در صد بعنوان مصالح برپائی دوباره حزب توده ایران است. پی و پایه ها بر سر جای خود قراردارند، اما دیوار این بنا را با همین 70 در صد باید بالا برد. تفاوت نمی کند که زن اند یا مرد، کارگرند و یا دانشجو، کارمندان و یا پرستار، کشاورزند و یا روزنامه نگار. حزب ما، حزب توده مردم ایران است، گرچه زحمتکشان در صف مقدم آن قرار داشته و باز هم باید داشته باشند.

بدین ترتیب است که امروز، وظیفه تاخیر ناپذیر توده ای ها، آشنا سازی نسل جدید با تاریخ و نقش سیاسی حزب توده ایران در مقاطع مختلف تاریخ کشور است. چه در دوران انقلاب و

چه قبل از آن. چه پیش از خیانتی که به آرمان های آن شد و چه بعد از این خیانت تاریخی. ما نشانه های بسیاری از رویکردها و تلاش این نسل در راه بازخوانی تاریخ حزب توده ایران می بینیم، و بر همین اساس است که در دوره اینترنتی راه توده باز انتشار تاریخ حزب و صفحات گوناگون تاریخ سیاسی حزب را آغاز کرده ایم. این کوشش بی دلیل و زمینه نیست، همچنان که بی بهره و نتیجه نیست. نسل جدید ایران باید با سرگذشت و نقش واقعی حزب توده ایران آشنا شود. این که بسیاری از فعالان سیاسی انقلاب 57 وحتى گله مندان ملی و مذهبی پیش از انقلاب، امروز چگونه به حقانیت حرف های ما در ابتدای انقلاب رسیده اند، مایه خرسندی توده ای هاست، حتی اگر - به هر دلیل شخصی و سیاسی و یا حتی حکومتی- بازگویی آن را به صلاح ندانند؛ اما این قطعا کافی نیست. سخن بر سر خیل عظیم دانشجویان است، سخن بر سر نسل جدیدی از کارگران ایران است که درصد دارندگان دیپلم دبیرستانی در جمع آن ها بسیار بالاست و حتی از رقم 60 درصد یاد می شود. این یک فرصت استثنائی است، که کارگران ایران در این سطح از سواد فارسی قرار دارند و می توانند بخوانند و بنویسند. ما با این نسل از کارگران کشور همانگونه باید زبان مشترک پیدا کنیم که با دانشجویان. با فعالان سازمان های غیر دولتی و تشکل های فعال در راه حقوق زنان ایران باید به درک مشترکی برای دست یابی به اهداف اجتماعی برسیم. همچنان که خود را جزئی از نبرد حاضر در دل حاکمیت و پیرامون آن می دانیم و باید بدانیم. نه با بسیج و سپاه پاسداران قهریم و نه با روحانیون، بلکه در کنار بخشی از همین اقشار نظامی و روحانی، عملا در برابر بخش دیگری قرار داریم که فاجعه کنونی را بر میهن ما تحمیل کرده اند. همین مناسبات را با سازمان های سیاسی موجود و فعال در کشور داریم. این که ما حضور علنی و فارغ از پیگرد امنیتی در ایران امروز نداریم، نباید در نوع برخورد ما با اوضاع ایران، زبان ما و همسوئی و اتحاد عملی ما با نیروهای فعال در داخل کشور تاثیر گذار شود. تمام بحث در اینجا است. یعنی چنان گفتن و نوشتن و احساس مسئولیت کردن، که اگر فعالیت علنی و فارغ از پیگرد امنیتی داشتیم، چنین بودیم و می داشتیم.

سالروز تاسیس حزب توده ایران، از نگاه توده ای ها، اگر به سخنی افزوده بر ستایش گذشته ها و حقانیت ما نیاز داشته باشد، همین است: پیوند هر چه بیشتر با داخل کشور و با جنبش عمومی مردم ایران و پرهیز از سرمای مهاجرت سیاسی. هشت میلیون خط اینترنتی در داخل ایران، مجال پا به پا شدن در سرمای مهاجرت را نمی دهد.

دست همه آنهایی را می فشاریم که چنین احساس و درک مشترکی را با ما دارند و از همه آن ها می خواهیم که "راه توده" را یاری کنند، تا به حیات و تلاش خود ادامه دهد. این سایت و گردانندگان آن از جان و مال خویش در این راه مایه گذاشته اند و صد دریغ که کسانی آسوده خیال می خوانند و می گذرند، بی آنکه به این گوشه از تلاش گردانندگان راه توده عنایتی داشته و حداقل در زمینه مالی، یاور و غمخوار ما باشند.